

شان و لزوم اجرای احکام الهی*

ایرج ایمن

مقدمه: مبانی و اصول

درک و فهم شان و لزوم اجرای احکام الهی مبتنی بر پاره‌ای از مبانی اعتقادی امر بهائی است که ریشه و سابقه در همه ادیان سالفه الهی دارد. اصل اول آنست که آفرینش جهان و آنچه در اوست ایجاد می‌تواند تصادفی نیست بلکه مسبوق به مشیت الهی و متوجه به هدف یا اهداف غائی حضرت احدیت از خلقت عالم وجود است. برای تفصیل این موضوع و ملاحظه نصوص مبارکه در این زمینه از جمله می‌توان به باب دوم از کتاب امر و خلق، جلد اول، از تتبعات جناب فاضل مازندرانی اعلی الله مقامه مراجعه نمود که در شرح عوالم آفرینش گردآوری و تدوین شده است. این اصل متضمن اصل فرعی دیگری است که مربوط به آفرینش انسان می‌گردد. بدین معنی که آفرینش انسان نیز بر اساس هدف‌های خاصی به مشیت الهی تحقق یافته است. یعنی آفرینش انسان خلقت حقیقی جاودانی روحانی است که ابتدا در جامه و قالب هیکل جسمانی جلوه می‌کند تا برای سیر در عوالم نامتناهی آماده شود و به فرموده حضرت بهاءالله خداوند انسان را «مظهر کل اسماء و صفات و مرآت کینونت خود» قرار داده است (امر و خلق، ج ۲، صص ۱-۲).^۱

اصل دوم سیر تدریجی تحوّل و تکاملی است که عالم آفرینش به سوی هدف یا اهداف غائی طی می‌نماید یعنی اگرچه آنچه مقصود نهائی از آفرینش انسان است بالقوه در وجود او از اول لا اول به ودیعه

گذاشته شده، اما جلوه و ظهور و وصول به مراتب کمال آن اهداف به تدریج و در طول زمان تحقق می‌یابد. این نکته را حضرت نقطه اولی در آثار مبارکه خود به تفصیل تشریح نموده‌اند و در صحیفه اصول و فروع اشاره به مثال به وجود آمدن نطفه در رحم مادر می‌فرمایند که آغاز سیر تدریجی تکاملی هیكل عنصری انسان است و سیر ابدی روحانی او. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه در اشاره به همین معنی، مثال دانه و به وجود آمدن درخت را آورده‌اند و در مفاوضات در شرح حرکت جوهری می‌فرمایند: «بدان که شیء موجود در مقامی توقف ننماید یعنی جمیع اشیاء متحرک است.» و در خطابه مذکور می‌فرمایند: «حرکت از برای وجود لزوم ذاتی است. انفکاک ندارد.» و نتیجه می‌گیرند که: «انسان از بدایت وجود رو به ترقی است» و «حرکت جوهری از برای جمیع کائنات است» (امر و خلق، ج ۱، صص ۱۲۳-۱۲۴).

اصل سؤم نیاز انسان به هدایت خالق و آفریننده خود است تا آن طور که هدف از آفرینش اوست در سیر تکاملی پیشرفت نماید و در این عالم و در جمیع عوالم الهی این پیشرفت به سوی کمال ادامه یابد. واسطه وصول این راهنمایی و ارشاد، انبیای الهی هستند و حکمت ظهور آن مظاهر مقدسه از جمله همین هدایت بشر در طی طریق بلوغ و تکاملی است که برای آن به وجود آورده شده است. حضرت بهاءالله توضیح داده‌اند که اسماء و صفات الهی که در انسان به ودیعه گذاشته شده «در حقیقت انسان مستور و محجوب است. چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شؤونات بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است.» بعد اضافه می‌فرمایند که «حال این شمع و سراج را افروزنده‌ای باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده‌ای شاید و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفروزد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی‌امس در او منطبق نشود» (منتخبات آیات، صص ۵۰-۵۱). این عامل صیقل دهنده و افروزنده مظاهر مقدسه الهیه هستند.

«چون مابین خلق و حق و حادث و قدیم و واجب و ممکن به هیچ وجه ربط و مناسبت و موافقت و مشابهت نبوده و نیست لهذا در هر عهد و عصر کینونت ساذجی را در عالم ملک و ملکوت ظاهر فرماید» (امر و خلق، ج ۲، صص ۱-۲). کینونت ساذج همانا انبیاء الهی هستند. حضرت عبدالبهاء در مبحث لزوم مربی در کتاب مفاوضات این موضوع را به تفصیل تشریح فرموده‌اند و مثال‌های متعددی ذکر نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که «وجود جمادی و وجود نباتی و وجود حیوانی و وجود انسانی کلاً و طراً محتاج به مربی هستند» و واضح است که انسان (که هنوز در سیر تکامل است) نمی‌تواند مربی کل وجود و از جمله نفس خود باشد لذا انسان محتاج به مربی است که باید «در جمیع مراتب کامل و ممتاز از جمیع بشر باشد.» و آن مظهر ظهور الهی است (امر و خلق، ج ۲، صص ۳-۵). اصل چهارم لزوم تشریح شرایع و نزول احکام الهی است. اثر تربیتی مظاهر مقدسه الهی به واسطه

تعالیم و احکام و راهنمایی‌هایی که صادر می‌نمایند ظاهر می‌گردد و عالم بشریت را به سوی هدف غائی خلقت رهبری می‌کند. یعنی ظهور انبیاء لازم‌اش صدور احکام و تعالیم است. این است که در ابتدای کتاب مستطاب اقدس متابعت از اوامر و احکام الهی از شروط قطعی عرفان و لازمه اصل معرفت‌الله ذکر شده است یعنی «بعد از عرفان مطلع توحید و مشرق تفرید»، که مظهر ظهور الهی است «دو امر لازم، اول استقامت بر حبش... و ثانی اتباع اوامر او است» (منتخبات آثار، ص ۱۸۵).

اصل پنجم لزوم تغییر و تحوّل احکام و تعالیم الهی است. اوامر و احکام الهی تابع شرائط و احوال جامعه بشری است یعنی مناسب با شرائط مزبور تشریح می‌گردد. چون احوال و اوضاع جهان و مردمان آن پیوسته در حال تغییر و تحوّل و سیر به سوی اهداف غائی خلقت است، لذا اوامر و احکام الهی نیز به مناسبت تغییرات مزبور تحوّل و تغییر می‌یابد. «بدان که همه احکام الهی در هر عهد و عصری به اقتضای وقت تغییر می‌کند و تبدیل می‌شود مگر شریعه حبّ که همیشه در جریان است و هرگز تغییر به او راه نیابد و تبدیل او را نجوید» (آیات، ج ۲، ص ۳۸۵). و «نظر به مقتضیات عصر، اوامر و احکام مختلف شده و لکن کلّ من عندالله بوده و از نزد او نازل شده» (ادعیه محبوب، ص ۴۰۸).

اصل ششم پیوستگی احکام و شرایع در کلیّه ادیان الهی است. زیرا مبدء ظهور مظاهر الهیه واحد است یعنی حقّ جلّ جلاله است و ادیان الهی در اصل و اساس و هدف کلی و مقصد غائی وحدت کامل دارند. بنا بر مبنای وحدت مظاهر ظهور الهی و وحدت ادیان الهی و وحدت اهداف غائی از تشریح شرایع الهی بین احکام و اوامر این ادیان هم بستگی و ارتباط وجود دارد و در طول زمان مکمل یکدیگرند. حواشی کتاب امر و خلق که اختصاص به نقل سوابق احکام در ادیان سالفه دارد این معنی را روشن و مدلل می‌دارد. مطالعات تطبیقی در ادیان توحیدی نیز این نکته را آشکار ساخته است.

اصل هفتم سیر تدریجی نزول و تکمیل و تشریح و تبیین احکام و اعلان ضرورت اجرای آن احکام است. این اصل را بیت العدل اعظم با استشهاد به نصوص مبارکه در دیباچه کتاب مستطاب اقدس و نیز در پیام‌هایی که متضمّن اعلان لازم‌الاجرا شدن عمومی بعضی از احکام است شرح داده‌اند. از جمله این شرائط آمادگی نفوس مؤمنین برای اقدام به اجرای احکام است. حضرت بهاءالله در لوحی که در سال ۱۸۷۸ به امضای خادم‌الله صادر شده می‌فرماید: «... تا این سنه مع آنکه حکم حقوق در کتاب‌الله به نصّ صریح نازل بود کلمه‌ای از لسان مبارک در این باب اصغاء نشد و لکن این سنه قضی ما قضی انه لهو المقضی العلیم» زیرا قبل از این بیان مبارک در این لوح آمده است که «فرمودند اگر نفسی بخواهد به کمال میل و رضا حقوق الله را ادا نماید امنای بلاد اخذ نمایند و معروض دارند» (قلم‌اعلی، ج ۶، ص ۳۱۵). یک سال بعد یعنی در سال ۱۸۷۹ در لوح دیگری که به امضای خادم‌الله صادر شده آمده است که

« کتاب اقدس که از سماء مقدّس در سنین قبل ارسال شد مدّتی مستور بود و امر فرمودند که

به بلاد ارسال شود. می فرمودند امر حقوق الهی در آن کتاب نازل شده و این نظر به رحمت و شفقت حق بوده و بعد از اطلاع عباد بما انزله الرحمن فیہ بر کلّ عمل به آن واجب می شود. شاید از ادای آن تکاهل نمایند و یا چیزی در قلوب خطور نماید که لایق ایام الهی نباشد و بعد از اکثر اطراف عرایض به ساحت اقدس رسید و استدعای احکام نمودند و حسب الامر این عبد ارسال داشت و لکن امر فرمودند که احدی مطالبه حقوق ننماید. بر هر نفسی در کتاب الهی فرض شده که خود او به کمال روح و ریحان ادا نماید. اسأله تعالی بان یؤید الکّل علی ما یحبّ و یرضی» (قلم اعلی، ج ۷، ص ۲۳۶).^۲

دیگر از شواهد این اصل سیر تدریجی نزول و تکمیل و تشریح در تشریح و اجرای احکام الهی نص مبارک حضرت بهاء الله است که صدور احکام فرعی و جدید را از وظائف و اختیارات بیت العدل اعظم مقرّر فرموده اند و حتی مجاز فرموده اند که آن معهد اعلی در تغییر دادن احکامی که صادر می کند مختار باشد. مثلاً در یکی از الواح می فرماید: «از برای حقوق الهی قراری است معین، بعد از تحقّق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می شود» (قلم اعلی، ج ۶، ص ۲۸۴).

اصل هشتم لزوم تغییر و تبدیل احکام فرعی یا احکام جسمانی است. زیرا حضرت عبدالهء می فرماید: «شرایع الهیه منقسم به دو قسم بوده قسمی صرف روحانیات است که این اصول و احکام روحانیّه در جمیع شرایع الهیه یکی بوده است. قسم دیگر فروعات احکام است که به مقتضای هر عصری تبدیل شده» (مائده، ج ۵، ص ۱۴۲). «احکام جسمانی البتّه به اقتضای زمان در هر کور و دوری تغییر نماید» (مکاتیب، ج ۱، ص ۴۵۶). و نیز می فرماید: «حکمت کلّیه اقتضای این می نماید که به تغییر احوال تغییر احکام حاصل گردد». این اصل در تعدادی از مکاتیب و خطابات حضرت عبدالهء به تفصیل تشریح شده است.^۳

اصل نهم آن است که «جمیع احکام شریعت الهی مطابق عقل است» (خطابات، ج ۱، ص ۱۵۶). در تفصیل این اصل حضرت عبدالهء اضافه فرموده اند که «اصل دین الله اخلاق است. اشراق عرفان است. فضائل انسانی است... تهذیب اخلاق مطابق عقل است... اگر چنانچه دین مخالف عقل باشد اوهام است» (خطابات، ج ۱، ص ۱۵۷).

این بررسی اجمالی در تعدادی از آثار مبارکه برای درک شأن و لزوم اجرای احکام الهی انجام گرفته و شواهدی از منتخبات آثار مزبور در ذیل عناوین و بخش هائی که خصوصیات و شرائط اجرا و ثمرات اجرای احکام را مشخص می نماید، نقل شده است. تفحص ها و تحقیق های جامع تر و تفصیلی بدون تردید هم بر تعداد مباحثی که در این بررسی آمده خواهد افزود و هم نکات و حقایق بیشتری را به دست خواهد داد. بررسی حاضر اقدامی است مقدّماتی که امید است آغاز مطالعات وسیع تر و عمیق تری در این زمینه گردد. منظور از «احکام الهی» در این مقاله هم کلّیه اوامر و نواهی و تعالیم الهی به نحو اعمّ است

و هم شریعت الهی به معنای اخصّ. تفاوت بین این دو مفهوم از فحوای کلام مشخص می‌گردد.

نظری اجمالی در مشخصه‌های عمده احکام الهی

منشأ الهی

نخستین و مهم‌ترین مشخصه احکام الهی و تفاوت اساسی احکام مزبور با قوانینی که بشر وضع و تدوین می‌نماید، منشأ الهی احکام و حدودی است که مظاهر ظهور الهی نازل و تشریح می‌فرمایند و به وحی الهی به بشر می‌رسد یعنی مانند قوانین موضوعه بشری حاصل پژوهش‌ها و تجربیات و تفکرات و مشاورات بشر نیست. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «اوامر الهیه از سماء عزّ احدیه نازل، باید کلّ به آن عامل شوید. امتیاز و ترقّی و فوز خلق به آن بوده و خواهد بود» (منتخبات آثار، ص ۱۸۵). «نظر به مقتضیات عصر اوامر و احکام مختلف شده و لکن کلّ من عند الله بوده و از نزد او نازل شده» (ادعیه محبوب، ص ۴۰۸). «کتاب اقدس از ملکوت مقدّس نازل و اوامر الهیه در آن بی ستر و حجاب ظاهر، باید کلّ به آن عامل شوند» (آیات، ج ۲، ص ۷۰). در کتاب قرن بدیع حضرت ولیّ امرالله کتاب مستطاب اقدس را «خزینة گرانبھائی که گنجینه احکام» و «مخزن احکام و شریعت ربّانیه است» نامیده‌اند (ص ۴۲۶).

شارع احکام

همان طور که ذکر شد شارع و واضع احکام و حدود مطالع وحی یعنی مظاهر ظهور الهی هستند. حضرت بهاء الله این مأموریت و اجرای این جنبه از آثار منزله از سماء مشیت حقّ را به نقش و وظیفه طیب حاذق و یا باغبان ماهر تشبیه فرموده‌اند. در لوح مانکچی صاحب می‌فرمایند: «رگ جهان در دست پزشک داناست. درد را می‌بیند و به دانائی درمان می‌کنند... درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر» (مجموعه مصر، ص ۲۶۱). «ای دوستان، ارض معرفت رحمن خراب و ویران مشاهده شد. لذا زارع بالغ و حکیم حاذق فرستادیم تا اعراق فاسده و گیاه‌های لایسمنه را به تدابیر کامله قطع نماید و به امطار اوامر الهیه آن ارض را تربیت فرماید تا محلّ انبات نبات طیبه و اشجار مثمره شود» (ادعیه محبوب، ص ۳۱۶).

حضرت عبدالبهاء در رساله سیاسته این معنی را به تفصیل و با ذکر امثله و شواهد شرح و بسط داده‌اند: «هیأت اجتماعیه و هیکل عالم معرض عوارض ذاتیه و در تحت تسلط امراض متنوعه است. شریعت و نظام و احکام به مثابه دریاق فاروق و شفاء مخلوق است» (ص ۳۹). بعد توضیح می‌فرمایند که تشخیص بیماری‌ها و آلام هیأت جامعه انسان نیازمند به پی بردن به روابط ضروریّه منبعت از حقایق اشیاء است و این همان تعریفی است که برای دین بیان نموده‌اند. زیرا فقط بر چنین پایه و اساسی ممکن است «نظام و قوانینی وضع» نمود که علاج عاجل باشد و «دوای کامل» و این از عهده افراد بشر

خارج است و امری است ممتنع و مستحیل. بعد می فرمایند: «پس معلوم و محقق شد که واضع احکام و نظام و شریعت و قوانین بین انام حضرت عزیز عَلَام است چه که به حقایق موجود و ذقایق کُل موجود و سرّ مکنون و رمز مصون اعصار و قرون جز خدای بی چون نفسی مطلع و آگاه نه» (صص ۳۹-۴۰).

در این بیان مبارک چند نکته است که شایسته دقت بیشتری است یکی آنکه ظهور و بروز علل و امراض در جامعه بشری را «عوارض ذاتیه» نامیده‌اند یعنی بدون هدایت و ارشاد انبیای الهی و پیروی از احکام آن مشارق وحی جامعه انسانی ذاتاً طوری است که گرفتار بیماری و آلام می‌گردد. دیگر آنکه لازمه بی بردن به علل این بیماری‌ها آگاهی از روابط ضروریّه منبعث از حقایق اشیاء در کلیّه عوالم انسانی در جمیع قرون و اعصار از گذشته و حال و آینده است و این آگاهی و تسلط خارج از حیطه امکانات افراد بشر است. بنا بر این انسان به طور ذاتی و طبیعی نیازمند هدایت الهی و دریافت احکام و اوامر یزدانی است.

ارتباط ضروری معرفت مظهر ظهور و اتباع احکام الهی

از جمله مشخصه‌های احکام الهی رابطه ضروری و لاینفک اطاعت و اجرای اوامر مزبور با معرفت واقعی مظهر ظهور الهی است که حضرت بهاء‌الله کتاب مستطاب اقدس را با این موضوع آغاز فرموده‌اند و آن را اولین وظیفه‌ای شمرده‌اند که بر بندگان الهی واجب گشته است.

این نکته شایان توجه دقیق است یعنی عمل شناسائی حقّ که هدف خلقت انسان است تنها از راه شناختن مظهر امر او میسر است و این شناسائی بذاته یعنی به خودی خود متضمّن متابعت از احکام و اوامر است. چگونه ممکن است کسی طیبی را به دانائی و مهارت و حذاقت بشناسد بدون آنکه در اثر اجرای معالجات و دستورات وی پی به دانش و حذاقت او برده باشد. چگونه ممکن است مقام واقعی مظهر ظهور امر الهی را اذعان کرد و همراه با این پذیرش و اعتقاد از اجرای اوامر او چشم پوشید یا غافل ماند. یکی بدون دیگری قابل تصوّر نیست. همچنین عمل به احکام هم بدون معرفت شارع آن احکام از روح و نفوذ واقعی بی بهره می‌ماند و نتیجه غائی را حاصل نمی‌کند. این است که می‌فرمایند: «بعد از عرفان مطلع توحید و مشرق تفرید دو امر لازم: اول استقامت بر حبش... و ثانی اتباع اوامر او است که لم یزل مابین ناس بوده و خواهد بود» (منتخبات آثار، ص ۱۸۵ یا آیات، ج ۲، ص ۴۹). و با می‌فرمایند: «اگر نفسی به جمیع اعمال حسنه مرضیه عامل باشد و از مطلع وحی و مشرق الهام غافل گردد او از غافلین لدی العرش مذکور است و همچنین اگر نفسی به جمیع کتب الهیه تکلم نماید و به جمیع نصایح منزله ناس را متذکر کند و تصدیق حقّ ننماید، او صادق نبوده و نیست» (آیات، ج ۲، ص ۵۵). «اگر بگوئید مقصود اوامر و نواهی آن [مظهر ظهور الهی] بوده شکئی نیست که این مقصود اولیه نبوده و نخواهد بود. چنانچه اگر به عبادت اهل سموات و ارض قیام نماید و از

عرفان الهی محروم باشد، هرگز نفعی به عاملین آن نبخشیده و نخواهد بخشید.» در آخر این بیان مبارک نکته جالب توجهی را اضافه می‌فرماید که: «اگر نفسی عارف به حق باشد و جمیع اوامر الهیه را ترک نماید امید نجات هست» (آیات، ج ۱، ص ۲۵۶ یا مانده، ج ۷، ص ۱۰۹). این نکته اخیر در تأیید مطلبی است که قبلاً ذکر شد چون عرفان حق انسان را به تبعیت اوامر الهی ارشاد و رهبری می‌کند اما حالت عکس آن بعید به نظر می‌رسد.

مجموعه "ارگانیک"

احکام و حدود و تبیینات مربوط به آنها کلاً مجموعه واحدی را تشکیل می‌دهند که اجزاء و مفردات آن در ارتباط و تأثیر متقابلند و من حیث المجموع افراد بشر و جامعه انسانی را به آنچه هدف غائی از ظهور مظاهر الهی و تشریح شرایع الهی است سوق می‌دهند. مجموعه احکام مانند هیكل انسان یک کل زنده و نباض را تشکیل می‌دهد. همان طور که انجام وظیفه هر یک از اعضاء و اجزاء هیكل انسان موکول به ارتباط آن با کل بدن انسان است و به طور مجزی از بدن قادر به انجام وظیفه و مفید فایده نیست، احکام الهی هم در اثر روابط ضروری که مابین آنان و کل شریعت حضرت یزدان موجود است تأثیر و نتیجه غائی و مطلوب را نصیب بشر می‌نمایند و بهتر قابل فهم و درک و متابعت و اجرا می‌شوند.

مراتب تحقق احکام

مشخصه وحدانی بودن احکام که یک هیكل کامل را به وجود می‌آورند از نظر دیگری در مورد هر یک از احکام نیز صدق می‌کند یعنی هر حکم الهی و مجموعه احکام شریعت ربّانی شامل سه مرتبه یا مرحله: تشکّل (یعنی تشریح)، پذیرش (یعنی ایمان و اقبال) و اجرا (یعنی پیروی از احکام) است. لازمه تحقق و مؤثر واقع شدن احکام، جمع آمدن و تکمیل هر سه مرحله است و یکی بدون دیگری فاقد تأثیر و نفوذ مطلوب و هدف غائی از نزول احکام است.

منابع و مآخذ احکام

احکام امر بهائی از نظر مآخذ تشکّل و تشریح دارای مصادر و منابع ذیل است:
 اول، کتاب مستطاب اقدس که "أم الكتاب" و "مخزن احکام شریعت" بهائی است.
 دوم، سایر آثار قلم اعلی مخصوصاً الواحی که بعد از کتاب اقدس نازل شده و به متممات کتاب اقدس موسوم شده‌اند. حضرت ولی امرالله می‌فرماید حضرت بهاءالله در دوره تبعیدش تعالیم و احکام دیانتش را در بیش از یک صد جلد کتاب تشریح و تشریح نمود (ندا به اهل عالم، ص ۶).

ارتباط احکام با اهداف و آرمان امر بهائی

هدف کلی و اصلی ظهور حضرت بهاءالله و تشریح شریعت بهائی دمیدن حیات جدید در عالم امکان و تأسیس نظمی بدیع و جهان آرا و بلوغ عالم انسانی و ظهور کمالات عالیه در بشر و تأمین رفاه و سعادت

مردمان است. نزول احکام وسیله و ابزاری برای حصول این مقاصد عالی است. حضرت بهاء الله تصریح فرموده اند که ظهورشان منحصراً اختصاص به نزول احکام و اجرای حدود ندارد بلکه هدف و آرمان این امر اعظم تحوّل کلی و عمومی و اساسی در عالم انسانی و به نحو اعمّ تجدید حیات در این جهان ناسوتی است.

«همچو مدانید که ظهور حقّ مخصوص است به اظهار معارف ظاهره و تغییر احکام ثابته بین بریه بلکه در حین ظهور کلّ اشیاء حامل فیوضات و استعدادات لاتحصی شده و خواهند شد» (آیات، ج ۱، ص ۳۵۴).

«این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده، چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری، بلکه لاجل ظهورات کمالیه در انفس انسانیّه و ارتفاع ارواحهم الی المقامات الباقیه و ما یصدقه عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کلّ فوق ملک و ملکوت مشی نمایند... و لکن چون به حکمت امر نمودیم لذا بعضی از مقامات را مستور داشتیم تا جذب مختار زمام اختیار را اخذ نمایند» (ماتده، ج ۴، صص ۱۵۷-۱۵۸).

بنا بر این ملاحظه می شود که بین احکام و اهداف و آرمان امر بهائی رابطه و پیوستگی خاصی موجود است که اجرای حدود و احکام واسطه حصول آرمان متعالی امر الهی واقع می شود و نسبت به هدف غائی امر بهائی جنبه ثانوی و فرعی دارد.

«آنچه از سماء مشیت الهی نازل شده سبب و علت ترقی اهل عالم و نجات من فیه بوده» (آیات، ج ۲، ص ۳۴۱).

«ظهور حقّ و احکام الهی جمیع از برای تربیت انسان و ترقی او و حفظ اهل عالم و امثال آن بوده و خواهد بود» (اقتدارات، ص ۲۸۰).

«اوامر و احکام الهی سبب اعظم و علت کبری است از برای آسایش امم و لکن نظر به بی دانشی از عرفان این مقام اعلی اکثری محروم اند اوهام عباد را بر سنّه الله و امره مقدّم می دارند» (امر و خلق، ج ۳، ص ۲۰۱).

ماهیت احکام الهی

احکام و اوامر الهی در آثار قلم اعلی به آب حیات، روح حیات، میوه و ثمر شجر امر الهی و وسیله ای برای صیانت و رستگاری و ایجاد نظم تعبیر و توصیف شده است که هم زندگانی روحانی می بخشد و هم حفظ و حراست می کند و هم سبب رفاه احوال و انتظام امور می گردد. احکام و اوامر الهی در کتاب مستطاب اقدس و سایر آثار مبارکه با عناوین ذیل توصیف شده است:

انمار شجره؛ حصن حصین؛ روح حیات؛ روح الحيوان فی الامکان؛ سرج عنایت؛ مصابیح حکمت و فلاح؛ ماء حیوان؛ مفاتیح رحمت؛ صراط؛ صحیفه علیا؛ عرف قمیص؛ سبب اعظم از برای نظم عالم و حفظ امم؛ سدّ محکم از برای حفظ عالم و اهمّیت آن؛ میزان عدل؛ ستارگان آسمان برهان الهی؛ شمس و قمر و نجوم مرتفعه در شریعت.

مضمون بیانات مبارکه در توصیف ماهیت و کیفیت احکام الهی که در کتاب مستطاب اقدس و برخی دیگر از الواح به عربی نازل شده از جمله مفاهیم ذیل است:

- از احکام من بوی خوش پیراهن من به مشام می‌رسد (اشاره به عرف قمیص) (کتاب اقدس).
- به یاری این احکام اعلام فتح و ظفر بر بلندترین قله برافراشته خواهد شد (کتاب اقدس).
- ای اهل ارض، به یقین بدانید که اوامر من برای بندگان من چراغ‌های هدایت و کلیدهای مرحمت من هستند (کتاب اقدس).
- اوامر الهی اصل و مبداء عدلند (منتخبات آثار، ص ۱۱۶).
- احکام قلعه مستحکمی برای بندگان و سبب حفظ و حراست آنان است (گنجینه، ص ۲).

شأن و مقام و تأثیر و نفوذ احکام الهی

کتاب مستطاب اقدس

حضرت ولی امرالله از کتاب مستطاب اقدس با عبارت: «آن خزینه گرانبھائی که... گنجینه احکام... است» (یوم میعاد، ص ۱۵) یاد فرموده‌اند. این کتاب مستطاب که امّ الکتاب آئین بهائی و دور بهائی است در آثار قلم اعلیٰ به تکرار تعریف و توصیف شده است. شارع امر بهائی در وصف کتاب اقدس یعنی کتاب احکام می‌فرمایند:

«کتاب اقدس که از ملکوت مقدّس نازل و اوامر الهیه در آن بی ستر و حجاب ظاهر، باید کلّ به آن عامل شوند» (آیات، ج ۲، ص ۷۰).

«کتاب اقدس به شأنی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرایع الهیه است. طوبی للقارئین، طوبی للمعارفین، طوبی للمتفکرین، طوبی للمتفرّسین. و به انبساطی نازل شده که کلّ را قبل از اقبال احاطه فرموده. سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره. انّ ربّک لهو العلیم الخبیر» (مجموعه آلمان، ص ۱۲۴).

حضرت بهاءالله در یکی از الواح، کتاب مستطاب اقدس را «میزان الهدی بین الوری» و «برهان الرّحمن لمن فی الارضین و السّموات» نامیده‌اند (رحیق مخوم، ج ۲، ص ۲۲۷) که حاکی از جنبه عمومی و شمول جهانی آن کتاب و احکام نازله در آن است.

کتاب مستطاب اقدس ناسخ احکام و اوامری است که در ادیان سالفه منصوص شده است. در این

باب حضرت عبدالهاء می‌فرمایند: «کتاب اقدس که مهیمن بر جمیع کتب و صحف و زیر است و کل آنچه در آن مذکور، ناسخ جمیع صحائف و کتب، حتی اوامر و احکام و اعلان و اظهار آن ناسخ جمیع اوامر غیر مطابق و احکام غیر منسأوی، مگر امری و حکمی که در آن کتاب مقدس الهی غیر مذکور» (امر و خلق، ج ۱، ص ۸). این بیان حضرت عبدالهاء علاوه بر آنکه حاکی از اصل لزوم تغییر و تبدیل در اوامر و احکام است ارتباط بین کتب الهی را روشن می‌سازد که در چه مواردی مکمل یکدیگرند و سلسله تداوم راهنمایی‌ها و اوامر الهی را برای بشر در بر دارند. زیرا از یک طرف بنا به فرموده حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع «آئین بهائی آئینی است مستقل دارای اصول و قوانین مخصوص و احکام و سنن معلوم که از سایر ادیان و شرایع عالم متفاوت و متمایز است» (ص ۷۳۲) و از جهت دیگر در شرح احکام منصوصه اضافه می‌فرمایند که پیروی از اوامر و احکام «از طرف دوستان الهی موجب گردید وحدت بهائی محفوظ و وجه امتیاز و جهت جامعه آن در انظار مشخص و اصول و قواعد آن از رسوم و آداب زانده که در ادیان و مذاهب سالفه رخنه نموده و از مجموعلات و مبتدعات فکری بشری است منفصل و ممتاز گردد» (ص ۷۴۳).

«این سفر بدیع [کتاب اقدس] مخزن احکام و شریعت ربّانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به "سماء جدیده" و "ارض جدیده" و "هیکل رب" و "مدینه مقدسه" و "عروس" و "اورشلیم جدید النازل من السماء" تشبیه نموده است. این کتاب مقدس که حدود و احکامش مدت یک هزار سال ثابت و لن یتغیر مانده و نفوذ و سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود، اعلی و اجلی ثمره اسم اعظم و ام کتاب دور اعز اقدس ابهی و منشور نظم بدیع اسنی در این قرن امنع افخم محسوب است» (قرن بدیع، ص ۴۲۶).

احکام کتاب بیان

بین احکام کتاب بیان و احکام کتاب مستطاب اقدس رابطه خاصی وجود دارد. حضرت نقطه اولی رد یا قبول احکام بیان را در اختیار "من ینظهره الله" یعنی حضرت بهاءالله قرار داده‌اند و حضرت بهاءالله در چند مورد از جمله در لوح مبارک اشراقات این نکته را تأکید فرموده‌اند و تصریح فرموده‌اند که با نزول احکام در این دور مقدس آنچه از احکام بیان پذیرفته و تأیید نشده است کل منسوخ هستند ولیکن تعدادی از احکام بیان را عیناً و برخی را با تغییراتی مورد قبول قرار داده‌اند.^۴ بدین ترتیب بین این دو کتاب آسمانی ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد. حضرت عبدالهاء در مورد احکام بیان توضیح داده‌اند که: «مادون آن احکام مؤکده در کتاب اقدس به اهل بیان تعلق دارد به ما تعلق ندارد. ما مکلف به احکام کتاب اقدس هستیم» (مکاتیب، ج ۴، ص ۳۲).

اقسام احکام

همان طور که در اصل هشتم در مقدمه اشاره شد احکام به دو قسم کلی تقسیم می‌شوند که در آثار مبارکه با عناوین گوناگونی نام برده شده‌اند مانند احکام ثابته و احکام فرعیّه یا ثانویه، یا احکام جسمانی و احکام روحانی و اخلاقی. آنچه به اخلاقیات و روحانیات ارتباط دارد و مبانی الهیات را تشکیل می‌دهد از احکام و اصول ثابت و دائمی است که در همه ادیان یکسان است و تغییر نمی‌کند و آنچه مربوط به امور جسمانی و زندگی روزانه و امور دنیوی است بنا بر مقتضیات زمان و تحوّل شرایط در هر دور تغییر و تبدیل می‌یابد یا تکمیل می‌شود. قلم اعلی می‌فرماید:

«اعمال و افعال حقّ مشهود و ظاهر... مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حقّ و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر فی البلايا بل الشکر فیها و التوکل علیہ فی کلّ الاحوال. این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حقّ مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیه در ظلّ آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود» (اقتدارات، ص ۱۶۲ یا منتخبات آثار، ص ۱۸۶).

حضرت عبدالبهاء با ذکر مثالی ماهیت احکام فرعی را روشن می‌فرماید: «حکمت کلیّه اقتضای این می‌نماید که به تغییر احوال تغییر احکام حاصل گردد و به تبدیل امراض تغییر علاج شود... و این تغییر و تبدیل عین حکمت است زیرا مقصد اصلی صحتّ و عافیت است» (مکاتیب، ج ۱، ص ۴۵۵).

قسم دیگر مبادی اساسی امر الهی است که منشأ معتقدات و اعمال مؤمنین و اساس نحوه اداره امور جامعه قرار می‌گیرند. حضرت ولی امرالله در توفیقی تصریح فرموده‌اند که «در این نظم الهی تفکیک بین احکام شارع امر و مبادی اساسیه‌اش که مرکز عهد و میثاقش تبیین نموده ممکن نه» (توقیعات ۱۹۴۵-۱۹۵۲، ص ۱۲۷) و در توفیق دیگری تأکید نموده‌اند که «رعایت و اجراء احکام ضروری و واجب است زیرا احکام با مبادی و اصول آئین بهائی جدائی ندارد و هر دو به منزله تار و پودی هستند که بالمآل بنیان نظم جهانی حضرت بهاءالله بر آن استوار می‌گردد» (نظم جهانی، ص ۱۵۹). در اصل ششم در مقدمه اشاره شد که احکام و مبادی و اصول امر بهائی حالت وحدانی دارند یعنی یک کلّ را تشکیل می‌دهند که هر یک از اجزاء و اعضاء آن فقط در حالت ارتباط با کلّ آنها مؤثر و مفید فایده غائی است.

در ضمن حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار مستر روی ویلهم نازل فرموده‌اند اشاره به قسم خاصی از احکام می‌فرمایند که «احکام مخصوصه» است:

«بعضی احکام مخصوصه است که تخصیص به جمال مبارک دارد شمول به دیگران ندارد.

نظیر حضرت مسیح مغفرت خطایا که اختصاص به آن حضرت داشت و منع قصاص که فرمود که هر کس مستحقّ حدّ نباشد برخیزد و این زانیه را حدّ مجری دارد این حکم اختصاص به حضرت مسیح داشت. دیگران حقّ ندارند» (امر و خلق، ج ۴، ص ۱۷۷).

تأثیر و نفوذ و فوائد و اثمار

در آثار مبارکه فوائد و اثمار متعدّدی از تأثیر متابعت احکام الهی ذکر شده است که برای ممانعت از تطویل کلام فقط رؤوس مطالب مزبور فهرست وار ذکر می شود. در لوح مبارکی که در صفحه اول کتاب گنجینه حدود و احکام نقل شده است، هدف از نزول احکام را حفظ و حراست بشر ذکر می فرمایند و آن را حصن و حفاظ از برای مردمان می نامند و می فرمایند که خوشا به حال نفوسی که به احکام الهی عاملند، وای به حال آنان که از این امر مهمّ غافل می مانند و در بیان مبارکی که در ذیل قسمت "شارع احکام" نقل شد اشاره می فرمایند که اجرای احکام مانند از بین بردن گیاه های بی ثمر در کشتزار است که سبب رشد و نمو گیاهان و درختان پر ثمر می گردد. آثار احکام الهی که در کتاب مستطاب اقدس و سایر آثار مبارکه ذکر شده از جمله عبارتند از:

حفظ و صیانت بشر؛ آسایش و راحت مردمان؛ نظم عالم؛ تربیت بشر؛ اطمینان عباد؛ پیشرفت عالم؛ ترقیات روحانی؛ رستگاری (نجاح و فلاح)؛ خدمت به خلق (معاونت نوع بشر)؛ حفظ وحدت جامعه بهائی؛ اثبات استقلال و امتیاز امر بهائی؛ پیشرفت و ازدیاد عزّت و احترام امر بهائی؛ کسب رضای الهی و تقرب به حقّ؛ میزان بین حقّ و باطل؛ آزادی واقعی انسان.

تأثیر اجرای احکام در حصول حرّیت و آزادی واقعی برای انسان حائز کمال اهمّیت و توجه خاصّ است که در کتاب مستطاب اقدس مورد تأکید قرار گرفته زیرا انسان به طور طبیعی گرفتار و بنده هوی و هوس و امیال نفسانی و مادی است و اگرچه ممکن است به ظاهر تصوّر کند که آزاد از قیود و شروط است، در حقیقت محدود و محصور در تمایلات حیوانی بلکه پست تر از آن است مگر آنکه به قوّه تعالیم الهی و تربیت روحانی و اجرای احکام و حدود خود را از این قید و بند آزاد سازد و از چنگال امیال شیطانی نجات دهد. یعنی هر نفس در طول زندگانی در بین دو قطب یکی توجه به اوامر الهی و تبعیت احکام و تعالیم الهی و دیگری غفلت از آن اوامر و وصایا قرار گرفته و در هر آن به یکی از این دو سوی متوجّه و رهسپار است. میزان رستگاری و حرّیت او بستگی به دوری از قطب غفلت از احکام و نزدیکی به قطب پیروی از احکام دارد. این حرکت به خودی خود به طور مستمرّ متوجّه به یک قطب نیست بلکه بسته به اعمال روزانه، جهت حرکت و نزدیکی به یکی از دو قطب پیوسته در تغییر است. نصایح الهی حاکی از آن است که انسان باید در همه احوال به این موقعیت خود واقف باشد و از توجه و حرکت به سوی قطب منفی یعنی غفلت از احکام و اوامر خودداری نماید.

پیروی از احکام الهی بر عموم فرض و واجب شده است: «امروز بر جمیع اطاعت امر الله لازم و واجب. باید کُلّ به عنایت الهیه به طراز احکام مزین شوند. آنچه از سماء مشیت الهی نازل شده سبب و علت ترقی اهل عالم و نجات من فیه بوده» (آیات، ج ۲، ص ۳۴۱). در این بیان مبارک مقصود از کُلّ فقط عموم بهائیان نیست بلکه عموم مردم جهان منظور است زیرا می فرمایند: «الیوم کُلّ من علی الارض مکلفند به متابعت اوامر الهی چه که اوست سبب نظم عالم و علت آسایش امم» (قلم اعلی، ج ۵، ص ۹۹). و پیروی از دستورات الهی سبب رستگاری است لذا برای همه مردمان ضروری است: «اوامر الهیه از سماء عزّ احدیه نازل، باید کُلّ به آن عامل شوید. امتیاز و ترقی و فوز خلق به آن بوده و خواهد بود. هر نفسی که به آن عمل نموده رستگار شد» (آیات، ج ۲، ص ۴۹). و یا می فرمایند: «اگر اهل ارض به آنچه از لسان عظمت جاری می شود عمل نمایند کل خود را غنی و فارغ و آزاد مشاهده کنند. آنچه سبب آسایش اهل ارض است از آن غافل و آنچه علت آیش و زحمت و ابتلای نفوس است به آن متمسکند...» (قلم اعلی، ج ۷، ص ۱۲۵). «فوز و سعادت خلق در متابعت احکام کتب مقدسه الهیه است» (مدیته، ص ۸۴). لازم به یادآوری نیست که عمومیت متابعت از احکام شامل مراعات منهیات و ملاحظه مستثنیات نیز هست.

نکته ای که در تکلیف عمومی برای پیروی از اوامر و احکام الهی در آثار مبارکه آمده و شایان توجه است آن است که اقدام به اجرای احکام بر فهمیدن و پی بردن به حکمت و علت و فایده احکام تقدم دارد. یعنی نباید به سبب آنکه فایده و سبب نزول حکمی را درک نمی کنیم اجرای آن را به تعویق اندازیم و عمل به احکام را موقوف به فهم و درک سبب تشریح آن احکام نمائیم. حضرت بهاء الله می فرمایند:

«بعضی عقول شاید که بعضی حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق ننمایند و لکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما یتنتفع به الناس جاری شده احدی انکار ننموده و نمی نماید مگر آنکه بالمزّه از عقل محروم باشد» (ماده، ج ۴، ص ۱۵۸).

حضرت عبدالبهاء در این مورد مثال مراجعه به طیب حاذق را شاهد آورده اند:

«مظهر ظهور به حکمت بالغه قائم و شاید عقول از ادراک حکمت خفیه در بعضی امور عاجز، لهذا مظهر ظهور کلی آنچه فرماید و آنچه کند محض حکمت است و مطابق واقع و لکن اگر بعضی نفوس به اسرار خفیه حکمی از احکام و یا عملی از اعمال حق پی نبرند

نباید اعتراض کنند چه که مظهر کلی یفعل ما یشاست. چه بسیار واقع که از شخص عاقل کامل دانائی امری صادر و چون سائرین از ادراک حکمت آن عاجز اعتراض نمایند و استیحاş کنند که این شخص حکیم چرا چنین گفت و یا چنین نمود. این اعتراض از جهل آنان صادر و حکمت حکیم از خطا مقدس و مبرّا. و همچنین طیب حاذق در معالجه مریض یفعل ما یشاست و مریض را حقّ اعتراض نه. آنچه طیب گوید و آنچه مجری دارد همان صحیح است باید کلّ او را مظهر یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید شمرند...» (مفاوضات، ص ۱۲۳).

حضرت ولیّ امرالله در یکی از توقیعات به زبان انگلیسی که خطاب به یکی از افراد احبّا در سال ۱۹۴۹ صادر شده مثال ارتباط فرزند و پدر را آورده‌اند و می‌فرمایند اگر این دستورات برای ما سودمند نبود حضرت بهاءالله چنین نمی‌فرمودند. ما هم چون طفلان زیرک و فهیم که به مراتب تدبیر و درایت پدر معتقدند و ایمان دارند و می‌دانند که او جز در طریق صلاح آنان گام بر نمی‌دارد باید اجرای این دستورات را بپذیریم حتّی اگر در بدو امر ضرورت آن را تشخیص ندهیم. وقتی به دستورات مزبور عمل کردیم به تدریج نتایج حاصل از آنها را در وجود خویش ملاحظه خواهیم کرد (حیات بهائی، ص ۳۷).

ممنوعیت تأویل

حضرت بهاءالله تصریح فرموده‌اند که آیات الهی که متضمّن احکام و اوامر الهی است دارای معانی پنهان و مرموز نیست و نباید تفسیر و تأویل شود و بدون اجزای باقی بماند. یعنی آیات الهی به دو قسم است یکی مربوط به احکام و دیگری مربوط به آنچه در آینده زمان روی خواهد داد. اگرچه نوع دوم غالباً نیازمند تبیین و تفسیر و تأویل است اما قسم اول چنین نیازی ندارد:

«آیاتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و دیات و جنایات و امثال آن مقصود عمل به ظاهر آیات بوده و خواهد بود و لکن آیات الهی که در ذکر قیامت و ساعت چه در کتب قبل چه در فرقان نازل شده اکثر مأوّلت و لا یعلم تأویله الاّ الله. این مراتب در کتاب ایقان واضح و مبرهن است هر نفسی در آن تفکّر نماید آگاه شود بر آنچه از نظر کلّ مستور بوده...» (اقتدارات، ص ۲۸۴).

در این مورد حضرت بهاءالله بعضی درویش یا نفوس درویش مسلک را مثال زده‌اند که از اجرای احکام ظفره می‌روند و برای آیات و احکام الهی معانی مستتر ارائه می‌دهند:

«بعضی از نفوس که خود را درویش می‌نامند جمیع احکام و اوامر الهی را تأویل نمودند. اگر

گفته شود صلوة از احکام محکمه الهی است می‌گویند صلوة حقیقی را عمل نموده ایم و این بی چاره از ظاهر محروم است تا چه رسد به باطن. اوهامات نفوس غافله زیاده از حد احصاء بوده و هست. باری از تبلی و کسالت جمیع اوامر الهی را که به مثابه سد محکم است از برای حفظ عالم و امانت آن تأویل نموده‌اند، در تکایا انزوا جسته جز خورد و خواب شغلی اختیار نمودند...» (اسرار الآثار، ج ۴، ص ۲۸۶).

این قبیل معتقدات و القائات که حضرت بهاء الله بدان اشاره فرموده‌اند سبب افسردگی و تبلی و غافل ماندن از اجرای اوامر الهی می‌شود. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «ای یاران عزیز عبدالبهاء، باید دقت در نصوص الهیه کرد و احکام شریعت الله مجری داشت و از تأویل عرفا و تشویش حکما احتراز و اجتناب نمود زیرا نفوس را منجمد و افسرده و کسل و لابلالی و پریشان و سرگردان نماید...» (مکاتیب، ج ۸، ص ۱۷۵).

الزام به پیروی از احکام

احکام و نواهی الهی به منظور اجرا و عمل نازل شده و از فرائض فردی و جمعی محسوب می‌گردد. حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس هشدار می‌دهند که احکام الهی به محض نزول و تشریح باید به مرحله اجرا درآید: «اذا اشرفت من افق البیان شمس الاحکام لکل ان یتبعوها ولو بامر تنفطر عنه سموات افئدة الادیان» (بند ۷). نزول احکام را به برآمدن آفتاب تشبیه فرموده‌اند که سبب روشنائی است و حیات بخش است و اجرای احکام را در تحت هر شرائطی واجب دانسته‌اند حتی اگر حکمی بر خلاف احکام شرایع قبل باشد. در یکی از الواح می‌فرمایند اگر می‌خواهید به راه راست بروید احکام الهی را با قوت و قدرت متابعت نمایید: «خذوا احکام الله بقوة لعل تصلون الی ما اراد الله لکم و تكونن من الراشدین» (منتخبات آثار، ص ۸۸).

متأسفانه شدت غفلت بشر به حدی است که جز معدودی این سعادت را پیدا نمی‌کنند که از تعالیم و احکام الهی پیروی نمایند و چون از نظر تعداد قلیل هستند فقط در تحت شرائط مساعد موفق به اجرای احکام فردی، که مربوط به احوال شخصیه است می‌شوند. ولیکن احکامی که نیازمند همراهی و همکاری جامعه است معوق می‌ماند. با توجه به اینکه تحقق و تنفیذ این احکام و تعالیم مشیت الهی است بشر هر قدر هم در ابتدا به آنها بی‌اعتنا باشد نمی‌تواند مانع اجرای آن تعالیم و اوامر شود. به تدریج شرائط و احوالی بروز می‌کند که بشر را به سوی احکام مزبور سوق می‌دهد و وادار به قبول و اجرای آن تعالیم می‌نماید. حوادث یک قرن اخیر شاهد صادق و بارزی بر این روال است و آشکار شده است که آنچه از قلم اعلیٰ عزّ نزول یافته به تدریج قبول عام می‌یابد و به نحوی از انحاء جامه عمل می‌پوشد تا بالمآل هدف غائی از نزول احکام الهی تحقق پذیرد و ملکوت الهی بر روی زمین استقرار یابد. البته خوشا به حال نفوسی که از ابتدا این حقیقت را در می‌یابند و از اوامر الهی پیروی می‌کنند. «طوبی از برای عینی که به

افق ظهور ناظر و از برای اذنی که ندا را اصغاء نمود و به احکام منزله الهی تمسک جست. او از اصحاب سفینه‌ای است که در بحر اسماء به اذن فاطر سماء سیر می‌نماید» (آیات، ج ۲، ص ۳).

چه بسیار از شهدای عزیز امر الهی که مصداق این آیه مبارکه بوده‌اند و در پیروی از احکام الهی به ثبوت و استقامتی قیام کردند که حتی اجرای احکام اعدام و تیرباران آنها را منصرف ننمود: «انّ الذی وجد عرف الرحمن و عرف مطلع هذا البیان (اشاره به پیروی از احکام است) انه یتقبل بعینه السّهام لاثبات الاحکام بین الانام طوبی لمن اقبل و فاز بفصل الخطاب» (کتاب اقدس، بند ۷).

حضرت ولی امرالله اجرای احکام را از امور اساسی امر الهی و از افضل و اشرف اعمال محسوب فرموده‌اند: «اجرای احکام در این ایام از امور اساسیه محسوب و کافل و ضامن حفظ و صیانت یاران در این ایام پر انقلاب است» (توقعات ۱۹۴۵-۱۹۵۲، ص ۴۲). «تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله و احترام شریعت الله و اعزاز دین الله و تنفیذ احکام کتاب الله از افضل و اشرف اعمال در این ایام محسوب. دقیقه‌ای اهمال جایز نه و مساهله و مسامحه علت تفهقر جامعه و ازدیاد جرأت و جسارت فئۀ غافلۀ ظالمه گردد.» و بعد اضافه می‌فرمایند که این اول فریضه پیروان امر حضرت بهاءالله است (مائده، ج ۶، ص ۲۳).

حضرت بهاءالله در مناجاتی می‌فرمایند هر نفسی به اجرای اوامر الهی قیام کند خداوند او را مدد و یاری می‌دهد: «اسئلک بعزّ امرک و اقتدار کلمتک ان تؤیّد الذی اراد ان یؤدّی ما امرته به فی کتابک و یعمل ما یتضوّع به عرف قبولک» (ادعیه مبارکه، ص ۹۵).

اوامر و احکام الهی را باید بدون چون و چرا پذیرفت و پیروی کرد زیرا از خداوند یفعل ما یشاء است یعنی آنچه را اراده می‌کند انجام می‌دهد و آنچه را حکم می‌کند برای افراد مؤمن پذیرفتنی و شایسته اجراست. در کتاب اقدس می‌فرمایند: «انه یفعل ما یشاء و لا یسئل عمّا شاء و ما حکم به المحبوب انه لمحبوب و مالک الاختراع» (بند ۷).

اجرای احکام الهی بخشی از عهد و میثاق الهی است.^۵ در ابتدای کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاءالله می‌فرمایند نفوسی که با شکستن احکام یا تمرد و سرپیچی از اجرای احکام و اوامر الهی نقض عهد کرده‌اند در پیشگاه الهی از گمراهان هستند: «انّ الذین نکثوا عهد الله فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضلال لدى الغنی المتعال» (بند ۲). حضرت عبدالبهاء در لوحی که در مکاتب جلد اول مندرج است و پس از صعود جمال اقدس ابهی صادر فرموده‌اند و اشاره به اقدامات ناقضین و ثبوت و رسوخ احبّ و جانفشانی و خدمات آنان می‌فرمایند توصیه می‌نمایند: «پس ای احبّای الهی، حال وقت آنست که به شکرانه این موهبت به آنچه مکلفید به آن قیام نمائید و احکام شریعت الله را مجری دارید» (ص ۲۶۴). در بدایع الآثار نقل شده است که حضرت عبدالبهاء فرمودند: «عظمت تعالیم حضرت بهاءالله وقتی معلوم می‌شود که به موقع عمل و اجرا در آید» (ج ۱، ص ۲۲۶).

نحوه و شرایط اجرای احکام

در آثار مبارکه راهنمایی‌ها و توصیه‌های متعدّد و مکرّری در نحوه و شرایط اجرای احکام موجود است که توجّه به نکات و نصایح و اشارات مذکور راه و روشی را که باید در پیروی از اوامر الهی و اجرای احکام و تعالیم ملحوظ داشت ارائه می‌دهد. تعدادی از توصیه‌های عمده‌ای که در این زمینه ملاحظه می‌شود برای نمونه به اختصار ذکر می‌گردد تا تصویری کلیّی از آنچه مورد نظر حقّ است نمودار گردد.

حضرت بهاء الله در آغاز کتاب مستطاب اقدس پس از آنکه نخستین فریضه انسان را شناسائی مظهر امر الهی و پیروی از اوامر و دستوراتش تعیین می‌نمایند اضافه می‌فرمایند که احکامی که در کتاب اقدس نازل شده است "رحیق مختوم" است و قسم یاد می‌فرمایند که کسی که شراب انصاف را از دست لطف و احسان مظهر امر بنوشد چنان حالتی بدو دست می‌دهد که در حول اوامر و احکام الهی طواف خواهد کرد یعنی با ذوق و شوق آنها را خواهد پذیرفت: «لعمری من شرب رحیق الانصاف من ایادی اللطاف انه يطوف حول اوامری المشرقة من افق الابداع»^۶ و چشیدن شیرینی بیان الهی سبب می‌شود که دارائی خود را حتّی اگر گنج‌های عالم باشد برای اثبات و تحقّق حتّی یک امر از احکامی که نازل شده انفاق نماید: «لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده ولو یكون خزائن الارض کلّها لیثبت امرأ من اوامره المشرقة من افق العنایة و اللطاف». زیرا از اوامر و احکام الهی بوی خوش پیراهن حقّ می‌وزد و پرچم‌های فتح و ظفر را بر فراز کوه‌ها و قلّه‌های عالم نصب می‌کند: «من حدودی یمرّ عرف قمیصی و بها تنصب اعلام النّصر علی القلل و الاتلال». هنگامی که چنین حالت وجد و شغف و از خود بی‌خود شدن و شوق به اجرای احکام را در جان و دل مؤمنین ایجاد فرمودند اضافه می‌فرمایند که اوامر مرا به خاطر محبّت و دوستی من اجرا کنید. خوشا به حال حبیبی که بوی خوش محبوبش را از این کلام درک نمود کلامی که آکنده از عطر فضلی است که به وصف نمی‌گنجد: «قد تکلم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطباً لبریتی اعملوا حدودی حباً لجمالی طوبی لحیب وجد عرف المحبوب من هذه الكلمة التي فاحت منها نفحات الفضل علی شأن لا توصف بالاذکار». بدین ترتیب حضرت بهاء الله روال نزول احکام و جذابیّت و شوق انگیزی اوامر الهی و حالتی که در آن احکام نازل شده و دریافت آنها در انسان ایجاد می‌کند را توصیف فرموده‌اند و از همان ابتدا به جای صدور فرمان و تحمیل آن بر بندگان شرایط و احوالی را ایجاد نموده‌اند که این ایصال و وصول بیان‌کننده رابطه عشق و محبّت متقابل می‌گردد.

هنگامی که فرد مؤمن با چنان حالت عشق و شوق قصد اجرای احکام را می‌نماید توصیه‌های دیگری که در آثار مبارکه شده راهنمای او می‌گردد و در این راه او را یاری می‌دهد. این شرایط و احوال از جمله بذل توجّه تامّ و اقدام با شادی و سرور و روح و ریحان و رعایت نهایت دقّت و حکمت و از خودگذشتگی است.

نحوه اجرا

در کتاب مستطاب اقدس توصیه می‌فرمایند که اوامر الهی را اگرچه فرض و واجب است اما با روح و ریحان اجرا کنید: «تلك حدود الله قد فرضت عليكم و تلك اوامر الله قد امرتم بها في اللوح. اعملوا بالروح و الریحان. هذا خير لكم ان اتم من العارفين» (بند ۱۴۹). «اول امری که بر دوستان الهی لازم است آنکه قلوب را از ضغینه و بغضا مطهر نمایند و از صفات سبعی مقدس و منزّه و میرا دارند و احکام الهی را به کمال روح و ریحان عامل شوند» (مجموعه عندلیب، ص ۱۷۳).

توصیه دیگر آن است که در اجرای احکام باید مترصد و متوجه حفظ و صیانت آنها بود. یعنی باید آن چنان از خدشه‌دار شدن، تحریف شدن و تأویل شدن احکام مانع شد که انسان از چشمان خود محافظت می‌کند: «اعملوا حدود الله و سننه ثمّ احفظوها كما تحفظون اعینکم و لا تكونن من الخاسرین» (اقدس، بند ۱۴۷).

نکته دیگر حالت تسلیم و رضائی است که باید در انسان وجود داشته باشد و باکمال خلوص نیت و بدون انتظار هیچ‌گونه پاداشی به اجرای احکام و اوامر الهی قیام نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«تا توانی به صفات و اخلاقی مبعوث شو که به کلی در سبیل الهی محو و فانی شوی. یعنی اثر وجود در تو نماند. کالمیت بین یدی الغسال یحرکه احکام الله بارادة من الله. معنی کالمیت بین یدی الغسال این است که به کلی خواهش و نیتی و فکری و ذکری از برای انسان نماند و فانی در تعالیم الهی گردد و مفتون اوامر رحمانی. به آن قوت متحرک گردد و به آن تعالیم عامل شود و به آن اخلاق متخلق. این است فنای فی الله و بقای بالله» (مکاتیب، ج ۸، صص ۲۲-۲۳).

و در لوح دیگری فرموده‌اند که: «باید به جمیع احکام و تکالیف و فرائض به جان و دل قیام نمائیم» (امر و خلق، ج ۴، ص ۹۲).

شرایط ترویج احکام

۱- تذکر و ترویج: حضرت بهاء الله اشاره فرموده‌اند که از علل عمده غفلت از اجرای احکام عدم اطلاع و فراموشی است لذا باید احبای الهی را به آنچه از قلم اعلی جاری شده متذکر ساخت:

«باید کلّ بما امروا به متمسک باشند و در هیچ شأنی از شوون و هیچ امری از امور از آنچه از قلم اعلی جاری، از امانت و دیانت و عصمت و عفت و اعمال و اخلاق غفلت نمایند... این فقرات باید امام و جوه احبای الهی ذکر شود که مبدا نفسی غافل گردد و به امری که لایق ایام الهی نیست مشغول شود» (آیات، ج ۲، ص ۲۷).

حضرت عبدالبهاء در لوح فرائض اصحاب شور سومین فریضه محفل روحانی و سایر محافل شور بهائی را «ترویج احکام الهیه بین احبّاء از صلوة و صیام و حجّ و حقوق و سایر احکام الهیه» شمرده‌اند (مکاتیب، ج ۳، صص ۵۰۴-۵۰۵).

۲- تمسک به احکام: دیگر از شرایط مذکور در آثار قلم اعلی تمسک شدید به اوامر الهی و جلوگیری از متروک و مهجور ماندن آنها است: «خذ کتابی بقوتی و تمسک بما فیہ من اوامر ربک الأمر الحکیم» (منتخبات آثار، ص ۵۲). «لا تدعوا احکام الله بینکم مهجوراً و تكونن من الزاشدین» (منتخبات آثار، ص ۱۶۲).

۳- مراعات حکمت: اما مهم‌ترین شرطی که به تکرار در آثار قلم اعلی توصیه و تأکید شده است مراعات حکمت در اجرای احکام و پیروی از تعالیم مبارکه است. یعنی با خردمندی و هوشیاری و توجه به اوضاع و احوال به نحوی دستورات الهی اجرا شود که سبب عزت امر الله گردد و مشکل و مسأله‌ای به وجود نیارد. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «اوامر و احکام الهی هر یک به مقتضیات حکمت مشروط» (امر و خلق، ج ۴، ص ۱۴۰). در توضیح این توصیه و این شرط می‌فرماید:

«اگر اهل امکان به ثمرات ما انزله الرحمن عارف شوند کلّ به امرش قیام نمایند و به آنچه فرموده عامل شوند و لکن نظر به حکمتی که در الواح الله نازل شده بعضی احکام که الیوم سبب ضوضاء ناس و علت اجتناب خلق است اگر ترک شود لا بأس، اما اعمالی که سبب اعراض و اشتها نیست مثل اذکار و ادای حقوق و امثال آن البته کلّ باید به آن عامل شوند» (اسرار الآثار، ج ۴، ص ۱۷۱).

«الیوم لازم و واجب است متابعت احکام الهی و از اعظم احکام حکمت است. جمیع به آن مأمورند... باید ملاحظه نمایند و به آن عامل گردند» (آیات، ج ۲، ص ۳۰۴).

۴- حفظ سلامتی: در اجرای احکام الهی مراعات شرایط صحّت و سلامتی مقدّم است. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «حفظ انسان لدی الله از هر امری اعظم تر است. حقّ جلّ جلاله علم ابدان را مقدّم داشته چه که در وجود و سلامتی آن اجرای احکام بر او لازم و واجب. در این صورت سلامتی مقدّم بوده و خواهد بود» (امر و خلق، ج ۳، ص ۱۱).

۵- حدّ توانائی: «سنن و احکام و قواعد کتاب مستطاب اقدس را به قدر وسع و مقدور اجرا نمائید» (از توابع حضرت حضرت ولیّ امرالله در مانده، ج ۳، ص ۸۰). شرط حدّ وسع و توانائی هم نشانی از رحمت و شفقت الهی است و هم از این لحاظ است که حقّ خواسته است احکام و اوامر و تعالیم منصوصه با روحیه نشاط و شوق یعنی «با جان و دل» و با روح و ریحان اجرا شود نه به صورت تکلیف شاقّ و اجباری و از روی بی‌میلی و یا کراهت. لذا اگر انسان در وضع و حالتی باشد که توانائی اجرای حکم الهی را نداشته باشد لزومی ندارد که آن را فقط به منظور رفع تکلیف انجام دهد. به

عبارت دیگر دارا بودن شرائط و احوال مساعد برای اجرای احکام اهمّیت دارد.

۶- ایجاد عادت: «برای... بسیاری از احبّاً که امروز به عنوان اشخاص بالغ این امر اعظم را پذیرفته‌اند درک و انجام بسیاری از احکام نظیر نماز و روزه ممکن است در وهلهٔ اوّل مشکل باشد ولی باید همیشه به خاطر بسپاریم که این دستورات برای تمامی نوع بشر در طیّ هزار سال آینده وضع شده است. برای اطفال بهائی که از ابتدا در خانه با این امور آشنائی و انس پیدا می‌کنند انجام این فرائض نیز چون رفتن کلیسا برای مسیحیان معتقد امری کاملاً عادی و ضروری خواهد بود» (ترجمه از توقیعات حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاً، حیات بهائی، ص ۳۷).

۷- پرهیز از هم‌رنگی با جماعت: این نکته بسیار قابل توجه است که گرچه مراعات حکمت از شرائط اجرای احکام است اما جواز هم‌رنگ شدن با جماعت نیست. توصیهٔ حضرت ولیّ امرالله در این مورد چنین است: «احبّاً باید نظر به شرائط کنونی دنیا به عنوان پیروان فداکار حضرت بهاءالله در نهایت شجاعت و استقامت قیام نموده از احکام مبارکه تبعیت نمایند و در تلاش آن باشند که نظم جهانی حضرتش را بنا نهند. از طریق هم‌سازی با محیط اطراف هرگز قادر به استقرار امر و یا فتح قلوب دیگران به امر الهی نخواهیم شد. برای تحقّق بخشیدن به این موضوع غالباً مقداری فداکاری فردی لازم است و باید بدانیم وقتی عمل صحیحی انجام می‌دهیم خدا قدرت عنایت می‌فرماید که آن عمل را به ثمر برسانیم و بدین ترتیب سبب جلب برکات الهیه می‌شویم» (ترجمهٔ ابلاغیهٔ ۷ می ۱۹۵۷ حضرت ولیّ امرالله خطاب به محفل روحانی ملی استرالیا، حیات بهائی، ص ۴۹).

۸- معاونت نوع بشر: حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «معاونت نوع بشر از اعظم احکام و اوامر جلیل اکبر است علی‌الخصوص به یاران الهی که در عالم جسمانی و روحانی هر دو اعضاء و اجزاء یکدیگرند» (امر و خلق، ج ۳، ص ۲۶۱).

فوائد و ثمرات عمل به احکام

در بحث از «مراتب تحقّق احکام» اشاره شد که مرحلهٔ نهائی عمل به موجب احکام الهی است. به موقع اجرا گذاشتن احکام آن طور که باید و شاید ثمرات متعدّدی است. حضرت عبدالبهاء مخصوصاً توصیه فرموده‌اند که «حال وقت آنست که یاران به ترویج خلق رحمن پردازند و به موجب وصایای جمال مبارک به محبّت جمهور مشهور گردند و به تمشیت تعالیم الهی برخیزند و به موجب نصایح جمال مبارک عمل نمایند تا احکام رحمانی و تعالیم ربّانی و فرائض ایمانی از حیّز مشعور به حیّز ظهور آید و حصول پذیرد و این شجر ثمر بخشد و این کشت آبیاری گردد» (مکاتیب، ج ۷، ص ۲۴۵).

ملاحظه می‌شود که اجرای احکام را آبیاری بذرهائی که حضرت بهاء‌الله در کشتزار عالم انسانی پراکنده‌اند محسوب می‌دارند. بنا به فرموده حضرت ولّی امرالله عمل به موجب تعالیم الهی سبب آگاهی نفوس و اقبالشان به امر الهی است: «اگر فی الحقیقه به موجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شویم و به نوع بشر و وطن خویش خدمت نمائیم عاقبت حقیقت معلوم و مکشوف گردد و خود آن نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند» (مائده، ج ۳، ص ۶۰).

تأثیر اجرای احکام الهی چنانچه شاید و باید به نحوی نافذ و قاطع است که حضرت ولّی امرالله مرقوم فرموده‌اند: «چه بسا از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر فردی از افراد احبّاً به اجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرّد و همت و استقامت قیام نماید و در تمام شؤون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته بتمامها اجرا نماید عالم عالمی دیگر شود و ساحت غیرا جنّت ابهی گردد. ملاحظه نمائید اگر احبّای الهی کلاً فرداً و مجتمعاً به اجرای وصایا و نصایح قلم اعلی قیام نمایند چه خواهد شد» (مائده، ج ۳، صص ۲۲-۲۳).

این است که در توقیعی اظهار امیدواری و توصیه می‌فرمایند که احبّای الهی «به وسائل مطمئنّه مقتدره بکوشند تا آمال دیرینه کوکب میثاق از حیّز قوه به عالم عمل درآید. باید بدانند و روحاً و جسماً، قلباً و قالباً معتقد باشند که اول و مهمّ‌تر از همه چیز این است که احکام و اوامر الهیه را به عموم عالم عملاً نشان دهند، نمونه حیات بهائی گردند، مثل اعلای محبّت و وحدت شوند» (مائده، ج ۶، ص ۱۶).

بی‌مناسبت نیست که این مقال را با این بیان جمال اقدس ابهی به پایان بریم که در لوحی خطاب به جناب عندلّیب مبلّغ و شاعر شهیر بهائی می‌فرمایند:

«یا عندلّیب، نامهات رسید و نزد مظلوم ذکر شد و در ایّام حزن سبب بهجت و سرور گشت و این کلمهات بسیار مقبول افتاد: "الهی، بیزار از آن طاعتم که مرا به عجب آورد و مایل آن معصیتم که مرا به عذر آورد." اگرچه جمیع آنچه عرض نمودی سبب فرح و تبسم شد ولکن این کلمه را مقام دیگر عنایت نمودیم» (لثالی، ج ۳، ص ۳۰۴).

یادداشت‌ها

* این مقاله در دوره بیست و یکم مجمع عرفان در مرکز مطالعات بهائی آکوتو (ایتالیا) در جون ۱۹۹۹ عرضه شده است.

۱- برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به دانش و ینش، جلد دوم، نشریه انجمن ادب و هنر (انگلستان)، ۱۹۹۹ م، مقاله «انسان از منظر آئین بهائی» و مجله عندلّیب، شماره ۷۱، سال هجدهم، تابستان ۱۹۹۹ م، مقاله «هدف آفرینش انسان»، صص ۹-۱۳.

۲- ملاحظه می‌گردد که اولاً کتاب مستطاب اقدس چندین سال قبل از ۱۸۷۹ نازل شده بوده است و آن را مستور

داشته بودند. ثانیاً سبب این مستور داشتن کتاب الله را ملاحظه حال و آمادگی نفوس مؤمنین برای درک و اجرای حکم حقوق الله نموده‌اند. ثالثاً نزول کتاب مستطاب اقدس مقدّم بر وصول عرایض احتیاً به منظور استدعای صدور احکام بوده است و این مطلب که گاه شنیده می‌شود که احکام الهی در کتاب اقدس در اثر استدعای بعضی از احتیاً نازل شده مقرون با واقعیت به نظر نمی‌رسد.

۳- رجوع کنید به: مفروضات عبدالبهله فصل مربوط به «تفسیر باب یازدهم از مکاشفات یوحنا» و خطابات مبارکه، جلد اول، صص ۱۵۵-۱۵۸ و جلد دوم، صص ۳۱۲-۳۱۳. در جلد پنجم مائده آسمانی و جلد اول مکاتیب حضرت عبدالبهله نیز الواح متعددی در این موضوع درج شده است.

۴- متجاوز از ۳۲ حکم از احکام بیان در کتاب مستطاب اقدس مورد تأیید یا تکمیل قرار گرفته است که مجملأ عبارتند از ایام صیام، ذکر ۹۵ مرتبه الله ابهی، تقسیم ارث بین طبقات هفتگانه، وجوب تهیه وصیت‌نامه، حج، قبله، مهریه، آداب کفن و دفن، نماز میت، حقوق الله، تلاوت کلمات الهی هر بامداد و هر شام، نشستن بر صندلی، نهی از حمل اسلحه، جواز استفاده از البسه ابریشمی و ظروف طلا، نهی اقرار به معاصی، ترفیع مقام و ارزش کار مفید به مقام عبادت، سال اصطبار، نهی از سنجش کتاب الهی با موازین بشری، نهی از شرب خمر و افیون، نهی از دخول در بیوت بدون رخصت صاحبان آنها، رحم و رأفت بر حیوانات، ضیافت نوزده روزه، نهی از غیبت، طهارت نطفه، مطلق صلوة نبودن مو و استخوان و امثال آنها، نهی از جزع و فزع در مرگ عزیزان، مجاز بودن ریح پول، وجوب ازدواج، قضای نماز، نظافت و استفاده از عطر، و تجدید اثاث بیت هر نوزده سال یک بار (اقتباس از مقاله آهنگ ربّانی در مجله *Deepen*، شماره ۴، پانیز ۱۹۹۴، ص ۱۷).

۵- رجوع کنید به منتخباتی از آثار حضرت بهله الله، ص ۱۵۵.

۶- رجوع کنید به تقریرات در باره کتاب مستطاب اقدس، شرح و توضیحی که جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری در باره آیات کتاب مستطاب اقدس ایراد فرموده‌اند و جناب دکتر وحید رأفتی تنظیم و تدوین نموده‌اند. از انتشارات لجنه ملی نشر آثار امری، لانگنهان، ۱۹۹۷ م. در بخش پنجم این کتاب شرح مشعی در باره معانی و مفاهیم ریحی مختوم آمده است (صص ۲۵-۳۱).

کتاب شناسی

آیات الهی (لانگنهان: لجنه نشر آثار امری، ۱۹۹۴-۱۹۹۶ م)، ۲ جلد.

ادعیه مبارکه (ریودوزانیرو: دار النّشر البهائیه، ۱۹۹۲ م).

ادعیه حضرت محبوب (مصر: فرج‌الله زکّی الکردی، ۱۹۲۰ م)، تجدید طبع

(لانگنهان: لجنه نشر آثار امری، ۱۹۸۷ م).

اسرار الآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۴-۱۲۹ ب)،

۵ جلد.

اقتدارات حضرت بهاء‌الله، اقتدارات (بی‌ناشر، بی‌تاریخ).

اقدس حضرت بهاء‌الله، کتاب اقدس (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵ م).

امر و خلق اسدالله فاضل مازندرانی (لانگنهان: لجنه نشر آثار امری، ۱۴۱-۱۴۲ ب)، ۴ جلد در

۲ مجلد.

- بدایع الآثار محمود زرقانی، بدایع الآثار (لانگنهاین: مؤسسه انتشارات بهائی، ۱۹۸۲ م)، ۲ جلد.
- توقعات حضرت ولی امرالله، توقعات مبارکه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹-۱۳۰ ب)، جلد اول، دوّم و سوّم.
- توقعات ۱۹۴۵-۱۹۵۲ حضرت ولی امرالله، توقعات مبارکه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب).
- حیات بهائی حیات بهائی، مجموعه‌ای از نصوص مبارکه که در ایران طبع و نشر شده است.
- خطابات حضرت عبدالبهاء، خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در اروپا و امریکا (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۴ م)، ۳ جلد در ۱ مجلد.
- رحیق مختوم عبدالحمید اشراق خاوری، رحیق مختوم: قاموس لوح مبارک قرن (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب)، جلد ۲.
- سیاسته حضرت عبدالبهاء، رساله سیاسته (طبع سنگی از روی نسخه خط جناب مشکین قلم، تاریخ رمضان ۱۳۱۱ هـ.ق).
- قرن بدیع حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، چاپ دوّم با تجدید نظر (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م).
- قلم اعلی حضرت بهاءالله، آثار قلم اعلی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲-۱۳۴ ب)، مجلّات ۵، ۶، ۷.
- گنجینه عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، نشر سوّم (دهلی نو: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۹۸۰ م).
- لثالی حضرت بهاءالله، لثالی الحکمة (ریودوژانیرو: دارالنشر البهائیه، ۱۹۸۶-۱۹۹۱ م)، ۳ جلد.
- مائده عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸-۱۲۹ ب)، ۹ جلد.
- مجموعه آلمان حضرت بهاءالله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۳۷ ب).
- مجموعه عندلیب حضرت بهاءالله، مجموعه الواح عکس برداری شده از روی خط علی اشرف لاهیجانی "عندلیب" (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب).
- مجموعه مصر حضرت بهاءالله، مجموعه مبارکه الواح حضرت بهاءالله، نشر دوّم (لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۹۸۴ م).
- مدینه حضرت عبدالبهاء، رساله مدینه، طبع چهارم (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۴ م).

- مفاوضات حضرت عبدالبهاء، التور الابهي في مفاوضات عبدالبهاء، نشر دوّم (دهلی نو: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۹۸۳ م).
- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء (قاہرہ: کردستان العلمیّہ، فرج الله زکّی الکردی، ۱۳۲۸-۱۳۴۰ هـ ق) ۳ جلد.
- منتخبات آثار حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله (لانگنہاین: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۹۸۴ م).
- منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳ جلد؛ ج ۱ (ویلمت: مؤسسه ملی مطبوعات بهائی، ۱۹۷۹ م)، ج ۲ (مرکز جهانی بهائی، ۱۹۸۴ م)، ج ۳ (لانگنہاین: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م).
- نظم جهانی حضرت ولیّ امرالله، نظم جهانی بهائی: منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولیّ امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۶ ب، ۱۹۸۹ م).
- یوم میعاد حضرت ولیّ امرالله، قد ظهر یوم المیعاد، ترجمه توفیق مبارک کہ در ایران تکثیر گردیده است.